

ارزش کلام بیدل در عصر حاضر

محمد محسن*

میرزا عبدالقادر بیدل (۱۷۲۰-۱۶۴۴ م) بزرگترین نمایشگر سبک هندی به شمار می‌رود. وی در تاریخ ادبیات فارسی به سبب سبک منفرد خود حایز ارزش شایانی است. درباره زادگاه وی تذکره‌نگاران فارسی نظرهای مختلف ارائه نموده‌اند. طاهر نصرآبادی وطنش را لاهور می‌گوید^۱، ولی وارد طهرانی که دوست بیدل بوده است و بیدل تا مدتی با او به سربرده، زادگاه او را راج محل در بنگاله نشان می‌دهد.

میرزا بیدل تبخر بر علوم و زبان‌های رایج زمان مانند عربی، فارسی، الهیات، ریاضیات، طبیعیات، طب، نجوم، جفر، تاریخ، منطق، موسیقی، انشا و غیر از اینها داشت. علاوه بر آن کتاب مهابارت را از برداشت و با زبان سانسکریت هم آشنا بود. در شعر حدوداً صد هزار بیت به اصناف متنوع به یادگار گذاشت.

میرزا بیدل تنها یک صوفی و فیلسوف خشک نبود بلکه آثارش دارای افکار بشر دوستانه و حایز رنگ مشرقی است. مرتبه و مقام او در بیرون هند بالاخص در افغانستان، ایران، تاجیکستان، پاکستان، ازبکستان، و روسیه شناخته شده و پژوهش‌های شایانی به عمل آمده است و می‌آید. صاحب‌نظران چک، پرژی بیچکا، و بوژانی، در تاجیکستان صدرالدین عینی، در افغانستان صلاح‌الدین سلجوقی^۲، در پاکستان دکتر

* استادیار و رئیس بخش فارسی کالج بانوان دولتی، رامپور.

۱. شفیق اورنگ‌آبادی، منشی لجهمی نراین: تذکره شام غریبان، به حواله سلک کلک، مجموعه مقالات سید حسن استاد فقیه دانشگاه پتنا، پتنا (بهار).

۲. صلاح سلجوقی، صلاح‌الدین فرزند ملأ سراج‌الدین خان: نقد بیدل، کابل، افغانستان.

عبادالله اختر و در هند پروفیسور سید امیر حسن عابدی، سید عطاء الرحمن عطا کاکوی^۱، پروفیسور نبی هادی^۲ (علیگر) و غیر اینها خدمات شایانی به شناساندن بیدل و آثار بیدل کرده‌اند.

کامل‌ترین چاپ کلیات بیدل در چهار مجلد به قطع رحلی بزرگ در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در مطبع معارف کابل چاپ گردیده است ولی پُر از اغلاط است و دیوانش در دو مجلد در ایران هم اشاعت پذیر شده است.

چرا بیدل شاعر دیر آشنا ماند؟ در پاسخ این سؤال ایرادهایی را که بر سبک هندی و کلام بیدل گرفته‌اند، می‌خواهم تقدیم کنم و بعد از آن از بیان‌های منتقدان معاصر ارزش کلام بیدل را بررسی کنم.

آقای زین‌العابدین مؤتمن نگاشته‌اند:

”سبک هندی که ابتدا واجد مشخصات دلپذیری بود بتدریج صورت اولیه خود را از دست داد و کار مضمون‌تراشی و دقیقه‌یابی... تشبیهات و استعارات و اغراقات بسیار بارد و دور از ذهن معمول گردید و شعر که تقریر معقول و شیوایی عواطف درونی است صورت غریب و مبهم و غیرطبیعی بخود گرفت. شوکت بخارایی و ناصر علی و عبدالقادر بیدل که عموماً در ولایات هند نشو و نما کرده‌اند از گویندگانی هستند که شعرشان مظهر غرابت و پیچیدگی و انحراف از روش معقول سخنوری می‌باشد“^۳.

خانم میمنت میر صادقی ذوالقدر نوشته‌اند:

”بر اثر توجه فوق‌العاده این شاعران (شاعران سبک هندی) به ایجاز و مضمون‌سازی صرف، استقلال بیت‌های غزل درین شیوه بیش از همه سبک‌ها به چشم می‌خورد“^۴.

خانم نامبرده ضمن بیان سوررئالیسم، علل پیچیدگی این سبک را نشان می‌دهد:

۱. حیرت زار (تبصره انتخاب کلام)؛ پروفیسور عطاء الرحمن عطا کاکوی، رئیس سابق بخش فارسی دانشگاه پتنا.

۲. نبی هادی: میرزا بیدل، مکتبه جامعه لمیتد، ۱۹۸۲ م.

۳. مؤتمن، زین‌العابدین: تحویل شعر فارسی؛ چاپ شرقی، تهران، ص ۳۹۴.

۴. ذوالقدر، میمنت صادقی: واژه‌نامه هنر شاعری، کتاب مهناز تهران، ۱۳۷۴ شمسی.

”به اعتقاد سور رئالیستها عالمی که دیوانگان درک می‌کنند واقعیت دارد و امتزاج آنها با موضوع‌های منطقی جهان خارج واقعیت جدیدی را به وجود می‌آورد... هنرمند نمی‌تواند و نباید ارتباطی با دنیای اطراف خود برقرار کند“^۱.
این بیت بیدل تأییدش می‌کند:

ستم است اگر هوست کشد که به سیر سرو و سمن درآ

تو ز غنچه کم ندیده‌ای در دل گشا به چمن درآ

در جواب این ایرادات، اولاً از افکار دکتر فتوحی مثال می‌زنم. ملاحظه فرمایید: ”اصل معنی است و لفظ فرع. او به تشبیه معنی به معشوق و لفظ به لباس برای معنی تقدّم قایل است و مانند همه عارفان به اصالت معنی اعتقاد دارد. او معنی را آن شاهد زیبا می‌داند که هر ساعت لباسی می‌پوشد و به تجدد امثال لباس گرفتار است... آنان (صوفیان) عالم را مظهر جلوه‌های متنوع و رنگارنگ حق می‌دانند. تنها یک معنی است که در سخن آدمیان به دور افتاده... داستان از معارضه بیدل دهلوی و ناصر علی سرهندی برسر لفظ و معنی در *مرآت‌الخیال* نقل شده است که نظرگاه یک شاعر و یک عارف را درین مسأله نشان می‌دهد“^۲.

چون بیدل عارف پاکدل و صوفی شاعر نه شاعر صوفی بود، جوابش قوت بخشیدن افکار ضعیف ناکسان و ایراد گرفتگان مانند چراغ هدایت است. جواب بیدل به آن معارضه این بود که مراد از معنی حقیقت پنهان در پرده غیب است نه مفهوم و منظوقی که از نظام دلالتی زبان استنباط می‌شود. در نظر عارفان معنی عبارت از حقیقت غیبی است و معنای مورد نظر زبان شناسان و علمای اصولی مفهوم و منظوق در برابر لفظ است^۳.

حسن حسینی که طرفدار صمیمی بیدل است و کتاب با ارزش بیدل، سپهری و سبک هندی را نوشته است، در حمایت بیدل و انتقادکنندگان معاصر از بیدل می‌نویسد:

۱. ذوالقدر، میمنت صادقی: *واژه‌نامه هنر شاعری*، ص ۱۳۹.
۲. نقد خیال، نشر روزگار، خیابان انقلاب، تهران، ۱۳۷۹ شمسی.
۳. همان.

”باید این نکته را متذکر شویم که بستن پرونده شعر بیدل آن هم به این ادعای کلی که شعرش تراحم خیال دارد، ناشی از بی‌انصافی و بی‌حوصلگی یا هردو آن به‌اضافه مقدار معتنا بهی بی‌ذوقی است“^۱.
نامبرده جای دیگر گفته است:

”اگر نسل جوان معاصر یک صدم سابقه ذهنی و تماس رو در روی را که با فیلم هندی و هنرپیشه‌های مرحوم و نیمه مرحوم آن دارد، با سبک هندی و شاعران آن داشت، کار ما برای معرفی بیدل بسیار آسان‌تر و این راه پُرپیچ و خم و پُر فراز و نشیب هموارتر می‌گشت... توجه خاص شاعران هندی به عناصر و پدیده‌های طبیعی و اشیاء و آداب و رسوم و عادات و مصطلحات جامعه خویش است. در واقع درین سبک شاعر همچون سلمان و شاید بالاتر از زبان همه موجودات را می‌فهمد و همه موجودات نیز توانایی درک زبانی او را دارند“^۲.
آقای حسینی با این کتاب راه بیدل‌شناسی را با مقایسه کلام سهراب سپهری بسیار آسان کرده است و هم برای آیندگان کتابش مشعل راه می‌باشد.
به قول آقای حسینی حشر و نشر بیدل با مفاهیم عرفانی سرسری و بی‌عمق نیست. خواه عرفان می‌نویسد خواه فلسفه، همه را خوب شناخته، صمیمانه بر صفحه قرطاس می‌ریزد؛ چه تجلی انوار حق در قلمرو ممکنات جاذبه پایان ناپذیر است. چنانکه عارف شاعر نغمه‌ریز است:

روشندلان چو آینه بر هرچه رو کنند هم در طلسم خویش تماشای او کنند
این موجها که گردن دعوی کشیده‌اند بحر حقیقت‌اند اگر سر فرو کنند
ای غفلت آبروی طرب بیش ازین مریز بحر حقیقت‌اند اگر سر فرو کنند
دکتر شفیعی کدکنی در کتاب بسیار ارزشمند خود درباره بیدل چنین اظهار نظر نموده است و ازین نظر ارزش شعر بیدل بر معاصران واضح می‌گردد:

۱. حسن حسینی: بیدل، سپهری و سبک هندی؛ انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۹ شمسی.
۲. همان.

”به‌راستی تمام نقاط ضعف بیدل را به‌گونه‌های دیگر در آثار این دسته (دسته معاصر) گویندگان جوان امروزی به‌خوبی می‌توان دید. بیدل همه کوشش خود را صرف اعجاب خواننده می‌کند و می‌کوشد که او را هرچه بیشتر از میدان اصلی تداعی‌ها به‌دور ببرد، به‌جایی که هنگام بازگشت خواننده جز تعجب و حیرت ارمغانی دیگر ازین سفر با خویش همراه نیاورد و این گویندگان جوان چنین کوششی دارند“^۱.

این سطور آقای شفیعی هم بسیار مهم است که:

”گویندگان امروز با فضای شعر او آشنا می‌شوند، با جهان‌بینی و طرز فکر او آشنا می‌شوند و با شاعری عارف و سراینده‌ای که از دانش و فضیلتی بسیار برخوردار است روبه‌رو می‌شوند، با روشن‌بینی و توسعه ذهنی بسیار... ناقد امروز دیوان او و فلسفه‌های مدرن غرب... را در آن جستجو می‌کند و این گسترش آفاق ذهنی او خود نکته‌ای است که مقام او را در شرایط خاص از حد یک شاعر عادی فراتر می‌برد“^۲.

این واقعیت است که بسیاری از معانی تازه و اندیشه‌های نو در شعر شاعران معاصر از شعر بیدل منشعب شده است. انسان‌دوستی و دوستی مابین اقوام و ملل مبنی بر آنست که جذبه بشر‌دوستی را هنروران و شاعران شعله‌ور کنند.

عشق عام و همه‌جهانی در وجود انسان انسانی می‌شود و کمال می‌یابد:^۳
مخصوص نیست کعبه به‌تعظیم اعتبار

هر جا سری به‌سجده رسید آستانه‌ای است

این پیغام انسانیت در شعر سپهری بینیم چگونه به‌زیبایی بیان شده است که نه تنها به‌بشر دوستی منجر می‌شود بلکه جهت عارفانه دارد و جانوران و پرندگان و نباتات شهادت انسانیت می‌دهند:

۱. شفیعی کدکنی، محمد رضا: شاعر آینه‌ها؛ انتشارات آگاه، زمستان ۱۳۶۶ شمسی، ص ۱۸.

۲. همان.

۳. بیدل‌شناسی؛ محمد عارف پژمان، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ص ۱۲۰.

من نمی‌دانم
 که چرا می‌گویند: اسب حیوان نجیبی است، کیبوتر زیباست
 و چرا در قفس هیچ‌کسی کرکس نیست
 گلِ شیدر چه کم از لالهٔ رنگین دارد
 چشم‌ها را باید شست، جورِ دیگر باید دید
 سپهری این نگاه عارفانه را از سنائی غزنوی و عارفان دیگر گرفته است:
 ابله‌ی دید اشتری به‌چرا گفت نقشت همه کزست چرا؟
 گفت اشتر که اندر این پیکار عیب نقاش می‌کنی هشدار^۱
 با وصف پیچیدگی سهولت ابیات بیدل را مشاهده نمایید. چگونه همانندی و
 همگونی با زبان شعر معاصر دارد و حتی برای شعر معاصر راه را هموار کرده است.
 ابیاتی چند به‌طور مثال می‌آورم:

یک جلوه انتظار تو در خاطرم گذشت آینه می‌دمد ز سراپای من هنوز

*

از چمن تا انجمن جوش بهار رحمت است
 دیده هر جا باز می‌گردد دچار رحمت است
 خواه ظلمت کن تصوّر، خواه نور آگاه باش
 هر چه اندیشی نهان و آشکارا رحمت است
 قدردان غفلت خود گر ندانی جرم کیست
 آنچه عصیان خوانده‌ای آینه‌دار رحمت است^۲

*

بهار نامهٔ یاران رفته می‌آرد گلی که وا کند آغوش در برش گیرید

*

درد عشق و مزدهٔ راحت، زهی فکر محال
 این خبر یا رب کدامین بی‌خبر آورده است

*

۱. حدیقهٔ سنائی.

۲. حسن حسینی: بیدل، سپهری و سبک هندی؛ انتشارات سروش، ص ۱۰۲.

کیست در این انجمن محرم عشق غیور ما همه بی‌غیرتیم، آینه آر کربلاست

*

مشتاق جلوۀ تو ندارد دماغ گل اینجا دل شکسته به یاد تو بو کنند
 شعر بیدل نقطه کمال معنی‌آفرینی سبک هندی هم است. بیشتر غزل‌هایش ترجمان
 عقل و ادراک اوست. او ترکیب‌های متنوع وضع کرده است. به نظر دکتر ریاض، بیدل
 اساساً شاعر وحدت وجودی بود اما قلب حسّاسش علاوه بر یأس و نومیدی درس
 حرکت و عمل می‌داد. وی رنج‌ها کشید و حادثه‌ها دچار شد تا معترف تسلسل زمان و
 حیات باشد. در این باره هم ابیاتی چند از غزل وی که ردیفش «زندگی» است، نقل
 می‌نمایم:

عمر گذشت و همچنان داغ وفاست زندگی

زحمت دل کجا بریم آبله پاست زندگی

آخرکار زندگی نیست بغیر انفعال

رفت شباب و این زمان قد دو تاست زندگی

صدق و صفاست زندگی نشو و نماست زندگی

تا ابد از ازل بتاز ملک خداست زندگی

اهمیت دل برای عشق و عشق برای زندگی لازم است. محمد حنیف بلخی
 دو کتاب *دل و بیدل و بیدل و دلدار* درباره همین موضوع نوشته است و در همه نکات
 دل و عشق و دلدار با شواهدی از ابیات بیدل اظهار نظر نموده است.

آقای احمد تمیم‌داری می‌نویسد:

“His poetry is unique in thought and imagination. The principal
 feature of his style is the fusion of the most delicate of thoughts and
 the most ambiguous imagination... the techniques employed in his
 poems and that which revealed is an original style in poetry”¹.

خلاصه این که کل آثار بیدل تاکنون به چاپ نرسیده است. بنابراین او چنان که باید
 شناخته نشده است.

1. Tamimdar, Ahmad: *A History of Persian Literature*, translated by Ismail Salami, p.100.

منابع

۱. پژمان، محمد عارف: بیدل‌شناسی، دانشگاه هرمزگان، بندر عباس، ۱۳۷۶ ه.ش.
 ۲. حسن حسینی: بیدل، سپهری و سبک هندی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۹ ه.ش.
 ۳. حنیف بلخی، محمد حنیف: بیدل و دلدار، مطبع احمد، افغانستان، بهار ۱۳۸۱ ه.ش.
 ۴. حنیف بلخی، محمد حنیف: دل و بیدل، مطبع صبور لیزر کمپوزنگ، افغانستان، بهار ۱۳۸۲ ه.ش.
 ۵. خلیلی افغان، استاد خلیل‌الله: فیض قدس، کابل، ۱۳۳۴ خورشیدی.
 ۶. ذوالقدر، میمنت صادقی: واژه‌نامه هنر شاعری، کتاب مهناز، تهران، ۱۳۷۴ ه.ش.
 ۷. شفیع کدکنی، محمد رضا: شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل)، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران، زمستان ۱۳۶۶ ه.ش.
 ۸. شفیق اورنگ‌آبادی، منشی لجهمی نراین: تذکره شام غریبان، به حواله سلک کلک، مجموعه مقالات سید حسن استاد فقیه دانشگاه پتنا.
 ۹. صلاح سلجوقی، صلاح‌الدین فرزند ملا سراج‌الدین خان: نقد بیدل، به اهتمام عبدالله رؤفی، کابل، افغانستان، ۱۳۴۳ خورشیدی.
 ۱۰. عطاء کاکوی، پروفیسور شاه عطاء‌الرحمن: حیرت زار (تبصره انتخاب کلام)، سلطان گنج، پتنا، چاپ دوم ۱۹۸۱ م.
 ۱۱. مؤتمن، زین‌العابدین: تحویل شعر فارسی، چاپ شرقی، تهران.
 ۱۲. نبی هادی: میرزا بیدل، مکتبه جامعه لمیتد، ۱۹۸۲ م.
 ۱۳. نقد خیال، نشر روزگار، خیابان انقلاب، تهران، ۱۳۷۹ ه.ش.
14. Tamimdari, Ahmad: *A History of Persian Literature*, translated by Ismail Salami, p.100.